روزنه

عبدالله نوری: نگرانم

• روز گذشته در خلال مراسم وداع با آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی در جماران فرصتی شد تا با برخی از چهره‌هایی که به این مراسم می‌آمدند، گفت‌وگو کنیم. «عبدالله نوری»، از فعالان اصلاح‌طلب، «محمدرضا تابش»، نماینده اصلاح‌طلب مردم اردکان در مجلس و حجت‌الاسلام «محمد اشرفی‌اصفهانی»، از مسئولان نهاد ریاست‌جمهوری، ازجمله این چهره‌ها بودند که گفت‌وگوهای کوتاهی با آنها انجام دادیم:

عبدالله نوری: بیش از این چه بگویم

◄ آینده سیاست ایران را بدون آیت‌الله هاشمی چگونه می‌بینید؟

خیلی نگرانم.

◄ نبودن ایشان تأثیری روی انتخابات آینده خواهد گذاشت؟

فکر نمی‌کنم تأثیر مثبتی داشته باشد. امیدواریم که ان‌شاءالله رفتن و مظلومیت ایشان، باعث شود بهتر از آنچه در گذشته عمل کردیم، کار کنیم.

◄ برخی می‌گویند ممکن است آینده اصلاحات دستخوش مسائلی شود. نظر شما چیست؟

برای آن هم نگران هستم. بیش از این چه بگویم.

◄ این موضوع آرایش نیروهای اصلاحات را دچار تغییری خواهد کرد؟

فکر نمی‌کنم در آرایش جبهه اصلاحات تأثیر خاصی بگذارد؛ اما برای ایران و تداوم حرکاتی که به سود مردم باشد، نگرانم.

◄ دلیل این نگرانی شما چیست؟

آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی خیلی تلاش کرد اجازه ندهد در مسیر، انحرافی ایجاد شود و در حد توانش هم اقدام کرد و همین که ایشان رفته، این احساس نگرانی را زیاد می‌کند.

محمدرضا تابش: باید انسجام را حفظ کنیم

◄ شخصیت آیت‌الله هاشمی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

ویژگی‌های ممتاز و متمایزی داشتند که مجموعه این ویژگی‌ها، ایشان را به یک شخصیت تأثیرگذار در کشور و جهان اسلام و جهان تشیع تبدیل کرده بود؛ ازجمله آرمان‌خواهی، مبارزه با استبداد و استعمار، شجاعت و شهامت بیانش و مردم‌داری. ایشان در مسند مسئولیت، خیلی اهل محافظه‌کاری نبود و هرآنچه که امکان داشت، در درون حل می‌کرد و اگر یک زمانی لازم بود مردم هم از روند امور مطلع شوند، در خطبه‌های نمازجمعه یا سخنرانی‌ها مطرح و تبیین می‌کرد. ایشان پایگاه بسیار خوبی بین مردم داشت.

◄ خلأ وجودی ایشان چه تأثیری برای نیروهای جبهه اصلاحات دارد؟

مسلم است که خلأ وجودی ایشان در حرکت اصلاح‌طلبی تأثیر سوء دارد؛ اما فکر می‌کنم آن تراوشات فکری و ذهنی ایشان و سایر مصلحانی مانند آقای خاتمی و دیگران، باعث شده جبهه اصلاحات به یک تشکل انسجام‌یافته تبدیل شود. اگر بتوانیم انسجام این تشکیلات را که بر مبنای تفکر آقایان شکل گرفته، حفظ کنیم و تداوم دهیم، فکر می‌کنم تا حد زیادی این خلأ پر شود.

حجت‌الاسلام اشرفی‌اصفهانی: تکیه‌گاه روحانی بود

◄ شخصیت آیت‌الله هاشمی را با توجه به آشنایی‌تان چگونه ارزیابی می‌کنید؟

در ابتدا ارتحال جان‌گداز و غیرمترقبه حضرت آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی، یار دیرین امام عظیم‌الشأن و یار مقام معظم رهبری را تسلیت عرض می‌کنم. ایشان را حدودا از سال ۱۳۴۲ می‌شناختم؛ یعنی قبل از قیام ۱۵ خرداد و وقایع مهم پیش از انقلاب. ایشان دوران مبارزات و پس از پیروزی انقلاب در کنار امام بودند. آیت‌الله هاشمی، امین و یار امام بودند. تصور نمی‌کنم بین موجودین و حتی آنها که شهید شدند و از دنیا رفتند، کسی جایگاهی مثل آقای هاشمی نزد امام داشته باشد. امام خیلی به ایشان اعتماد داشتند و شخص آقای هاشمی استثنایی بود. مرگ ایشان برای دنیای اسلام و ایران اسلامی مصیبت بزرگی است. ایشان هم حامی و پشتیبان قوی برای رهبر معظم انقلاب بود و هم برای انقلاب و امام. ایشان حامی ملت ایران بودند و پس از انقلاب درد مردم را می‌شناخت و درصدد درمانش بود. در دوران دفاع مقدس جانشین فرمانده کل قوا بودند و جنگ را به‌خوبی اداره کردند. این موضوع جای خود، ولی پس از پایان جنگ در دوران سازندگی کاری که ایشان انجام داد، استثنایی است.

◄ فقدان آیت‌الله در فضای سیاسی کشور چگونه جبران می‌شود؟

فکر نمی‌کنم خلأ ایشان پر شود. امام صادق(ع) می‌فرمایند: «هرگاه یک عالمی از دنیا برود، شکافی در اسلام و جامعه به وجود می‌آورد که کسی نمی‌تواند آن را جبران کند». ایشان منهای همه این مسائل، عالم و مجتهد و شاگرد مبرّز امام و آیت‌الله بروجردی بود و واقعا خلأ وجودی ایشان جبران‌پذیر نیست.

◄ به نظر شما نبود ایشان اثری در انتخابات آینده خواهد داشت؟

ایشان تکیه‌گاه دولت و حامی آقای روحانی بود. اگر ایشان حمایت نمی‌کرد، آقای روحانی به ریاست‌جمهوری دست پیدا نمی‌کرد. اما ایشان از چندی قبل حمایت‌هایشان از آقای روحانی برای دور دوم را شروع کردند. امیدوارم آن عشق و علاقه‌ای که مردم به آقای هاشمی دارند همچنان دوام بیاورد تا در دور دوم، آقای روحانی از رأی بالای مردم برخوردار باشند.

نبود آیت‌الله خسارت است

عبدالله رمضان‌زاده، سخنگوی دولت اصلاحات: من آیت‌الله اکبر هاشمی‌رفسنجانی را به عنوان مظهر تدبیر، عقلانیت و تعادل در سیستم نظام سیاسی ایران می‌شناختم؛ ایشان به عنوان یک چهره مبارز قبل از انقلاب، خط فکری شخصی‌شان را در نظام جمهوری اسلامی ایران پیدا کردند و در طول مبارزات، پیروزی انقلاب اسلامی و سپس شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی ایران بر اصول انقلاب پایدار ماندند. به عقیده من ایشان وفادارترین چهره نظام به اصول و آرمان‌های انقلاب اسلامی بودند. من فارغ از جناح‌بندی‌ها و

دیدگاه‌های سیاسی کشور بر این باورم که افراد، احزاب، گروه‌ها و تفکرهای فعال در عرصه حال‌حاضر نظام جمهوری اسلامی با فوت و در فقدان او ضرری اساسی می‌بینند؛ چراکه آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی چه در زمانی که در قدرت بود و چه در ایامی که خارج از قدرت بود بین گروه‌ها و احزاب سیاسی کشور که می‌خواستند در داخل نظام فعالیت کنند و حضور داشته باشند، نقش تعادل‌بخشی ایفا می‌کرد. آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی با فکر و عقلانیتی بی‌نظیر، انصافا وزنه میانه عرصه سیاسی کشور بود. تعادل‌بخشی و میانه‌روی او به این دلیل مهم بود که هرگاه احساس می‌کرد جمعی از فعالان سیاسی دلسوز نظام مورد بی‌مهری قرار گرفته‌اند با عقلانیتی که ویژه خودش بود، میدان‌داری می‌کرد و مانع ضرر به نیروهای انقلابی و دلسوز کشور می‌شد. این خصلت ویژگی منحصربه‌فرد آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی بود که در هیچ فرد و چهره دیگری در نظام وجود ندارد. او گذشته از نقش‌آفرینی در عرصه سیاسی کشور، در ایام جنگ هم نقش تعادل‌بخشی ایفا کرد؛ او نزد امام(ره) می‌رفت و می‌گفت که مسئولیت امور را به گردن می‌گیرد.

ادامه در صفحه ۱۵

شخصیت جهانی

علی خرم، استاد دانشگاه و تحلیلگر مسائل بین‌الملل: آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی از پیش از انقلاب و در مسیر مبارزه با حکومت شاه، در معرض روابط خارجی قرار داشت و هنگامی که در کنار امام خمینی (ره) برای

پیشبرد تحولات انقلاب قرار گرفت، عزم بیشتری در چگونگی قانع‌کردن دولت کارتر و استناد به حقوق بشر نصیب خود کرد. پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل دولت و مجلس و سپس بروز جنگ تحمیلی، باعث شد آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی تجارب زیادی در ارتباط با جامعه بین‌المللی به‌دست آورد و افکارش را شکل دهد، همچنین برخی تندروی‌های اولیه او را تعدیل و تصحیح کند. هنگامی که جنگ به پایان رسید و ایشان کمر همت به بازسازی کشور بست، از یک سو باید سیاست خارجی را راهبری می‌کرد و از سوی دیگر اقتصاد و صنعت ازبین‌رفته و واژگون‌شده را مدیریت می‌کرد و از همین نقطه بود که شخصیت ایشان برای جامعه بین‌المللی مشهود شد. ایشان خیلی سریع نشان داد به دو اصل در سیاست خارجی اعتقاد دارد؛ اول طبق قانون اساسی و سند چشم‌انداز به تعامل سازنده و همکاری و شراکت با جامعه بین‌المللی متعهد است و آن را راهکار خود می‌داند و دوم عمل‌گراست. در مراودات خود، منافع طرف مقابل را در نظر می‌گرفت و سپس با منافع خود ترکیب کرده و راهکار را پیدا می‌کرد. این دو اصل، برای جامعه جهانی بسیار مهم بود و اجازه داد همه کشورها دست دوستی به آیت‌الله هاشمی بدهند و ایشان را در مرحله سخت و طولانی بازسازی یک کشور جنگ‌زده یاری کنند. در دوران هشت‌ساله ریاست‌جمهوری ایشان، روابط ایران با همه کشورها از جمله اروپایی‌ها بسیار گسترش یافت. این هشت سال فرصتی به مردم ایران داد تا پس از غلبه بر مشکلات اولیه، درباره حقوق اجتماعی خود و آزادی‌های فردی اندیشه و طلب کنند که همین موضوع مقدمه‌ای برای حماسه دوم خرداد و حضور پرشور مردم پای صندوق‌های رأی در سال ۱۳۷۶ شد. به این ترتیب مطالبات سیاسی و اجتماعی مردم در سطح فردی و اجتماعی برای اولین‌بار بعد از انقلاب مطرح و جدی شد. آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی با همین اصول توانست دشمنی تاریخی اعراب علیه ایران را خنثی و روابط نزدیک و صمیمانه‌ای با عربستان و سایر کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس برقرار کند. مبانی که ایشان پایه‌گذاری کرد، پایه‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران اصلاحات و اکنون در دوره دکتر روحانی قرار گرفته است. برخی تفکرات التقاطی با این اصول در ۳۸ سال گذشته مخالفت کرده‌اند و سنگ لای چرخ دولت‌های گفته‌شده قرار داده‌اند؛ اما از یک‌سو هرگاه صاحبان این تفکرات، دولت را بر عهده گرفته‌اند، موفق‌نبودن خود را نشان داده‌اند و کشورمان را تا مرز تحریم‌های کشنده و خطر برخورد نظامی و درگیری‌های سیاسی برده‌اند، از سوی دیگر جامعه جهانی آنها را نپذیرفته و حاضر نشده هیچ‌گونه همکاری با این تفکرات داشته باشد، مردم ایران نیز بنا به فطرت طبیعی خود از روش‌های مسالمت‌آمیز و همکاری با جامعه بین‌المللی حمایت کرده و تنفر خود را از روش‌های تند افراطی اعلام کرده‌اند. به عبارت دیگر اصول پایه‌گذاری‌شده از سوی آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی در سیاست خارجی، همان اصول پذیرفته شده از سوی مردم و مورد رضایت آنهاست که دولت‌ها با انتخاب آن اصول، خود را با مردم همگام کرده‌اند. اصول یادشده، آیت‌الله رفسنجانی را به مردم و جنبش اصلاح‌طلبی نزدیک کرد، اگرچه برخی تندروها سعی کردند ایشان را از حضور در مناصب سیاسی کشور محروم کنند؛ اما تغییری در خط و مشی سیاسی - اجتماعی مردم ایران به وجود نیامد و باز چشم توجه به توصیه‌های سیاسی ایشان دوختند که تا همین روزهای اخیر تأثیر عمیق اندیشه‌های او را بر روند سیاسی-اجتماعی ایران دیده‌ایم و انکارناپذیر است. اکنون که دفتر تاریخ سیاسی ایشان مختومه شده، برای سپاس از خدمات گران‌قیمت آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی به کشورمان، جا دارد اندیشه‌ها و اصول سیاست خارجی ایشان جدی گرفته و در دیپلماسی عملی به کار گرفته شود که اینها تنها اصول کاربردی در صحنه جامعه جهانی تلقی می‌شود.

روح بزرگ

محمدعلی رامین، معاون مطبوعاتی دولت دهم: بیش از ۴۰ سال پیش، استاد مطهری گرایش و آثار وجودی دو نوع «شخصیت ممتاز» را با ویژگی‌ها و خصلت‌های شخصیتی متفاوت، از هم

تفکیک کرده و به این نتیجه می‌رسد که صرف داشتن قوای مستعد فکری و امتیازات برجسته روحی و امکانات فوق‌العاده مادی، نمی‌تواند یک انسان با «روح بزرگ» را در زمره صالحان، حق‌پرستان، عدالت‌خواهان، ظلم‌ستیزان و مظلوم‌نوازان قرار دهد. چه‌بسا آدمیانی که با توانمندی‌های بی‌نظیر و داشتن «روح بزرگ»، به دلیل نگاه حقیرانه و دنیاطلبانه خودشان، به مفسدان ماندگار در تاریخ جوامع بشری و به عوامل انحراف در مسیر نهضت‌های الهی تبدیل شدند. پس انگیزه‌ها، جهت‌گیری‌ها و اهدافی که تحت لوای آن، شخصیتی در «جبهه حق» یا در «جبهه باطل» تعریف می‌شود، تعیین‌کننده هستند. «روح بزرگوار» نشانه‌اش این است که به‌خاطر منافع مادی و حیات گذرا، هرگز ولایت الهی و ایستادگی در برابر گردن‌کشان جهانی را فدای هیچ چیز و نثار اغراض هیچ کس، به‌خصوص نفس خودش نمی‌کند. از منظر قرآنی تمام محاسبات اُخروی براساس وسعت امکانات مادی و میزان ظرفیت روانی و دانایی و توانایی افراد رقم خواهد خورد. طبق آیه شریفه «لایکلف الله نفسا الا وسعها» محاسبه هرکس در عالم قبر و برزخ و روز محشر در پیشگاه الهی به میزان وسع وجودی اوست؛ «هوش سرشار»، امکانات فراوان مملکت، فرصت‌های بی‌نظیر انقلاب، مسئولیت‌های کلیدی نظام، هدایت‌ها و حمایت‌های ویژه دو نایب عام امام زمان (عج)، عمر طولانی با سلامتی کامل، برخورداری از اعتبار اجتماعی و احترام عمومی نخبگان کشور، بهره‌برداری از حیثیت انقلابی‌گری در میان انقلابیونی که با نثار جان هزاران جوان برومندشان، فرماندهی او را در دوران جنگ تحمیلی تضمین کردند، بهره‌مندی از ثروت و مکنت و رفاه فراوان و... مجموعا مختصات استثنایی فقید شهیر ماست. تشخیص الهی برای جایگاه ابدی هاشمی‌رفسنجانی و «سرنوشت همه مسئولان جمهوری اسلامی» با لحاظ جزئیات مختصاتی که داشته‌اند، تعیین‌کننده خواهد بود. در ساحت قدسی پروردگار عادل، حکیم، رحیم و رئوف، هیچ تناسبی با قضاوت‌های احساسی و تعریف و تمجید یا نفی و تکذیب ما ندارد، زیرا او علام‌الغیوب است و ما همگی گرفتار جهل و غفلت و حب‌وبغض‌های دنیایی و توهمات نفسانی خویش هستیم. آنچه در این لحظات مهم که با خاطرات تلخ و شیرین، هاشمی‌رفسنجانی را به خدای بزرگ می‌سپاریم، نشانه انسان‌دوستی و خداپرستی ماست، این است که با او «مهربان» باشیم!

هرکس با چاپلوسی و تملق، به او خیانت کرده، توبه کند؛ هرکس در قضاوتش نسبت به عملکرد او، چه مثبت مطلق و چه منفی مطلق، از عدالت خارج شده، برای خودش و او استغفار کند. حالا که تمام سرگردانی دنیایی برای آن مرد پرتلاش و همه‌فن‌حریف، دیگر تمام شده و با الطاف حضرت بقیه‌الله و صبر الهی نایب برحقشان، وسوسه خناسان نتوانست به بهانه اختلاف نظرها، محبت شخصی عمیق و پیوند رفاقت هاشمی را با امام مسلمین به‌کلی بگسلاند، هرکس خیرخواهی خودش را با آن کسی که دیگر از همه فرصت‌های دنیا محروم شده است، حقیقتا نشان بدهد و ضمن طلب مغفرت، اگر هر اشتباهی در قالب «موافقت یا مخالفت»، مضر به حال زندگی ابدی او انجام داده، با استغفار و جبران اشتباه، در آرامش ابدی مرحوم هاشمی‌رفسنجانی بکوشد، تا شب اول قبر خودش سخت و ناگوار نباشد.

بزرگ‌ترین خیانت به رحیل فقید مرحوم هاشمی‌رفسنجانی آن است که از این پس نیز از اشتباهاتش حمایت کنیم و خدمات بزرگش را نادیده بگیریم و به نام او، اما به کام دشمنان انقلاب، با ترسیم یک دوقطبی «موافق/ مخالف» هاشمی، موجب پیچیدگی شرایط ابدی او بشویم. من هم برایشان صمیمانه غفران الهی مسئلت دارم و امیدوارم که خداوند ایشان و همه ما را با رحمت واسعه‌اش بسنجد و نه با عدل و جباریتش. برای تمام بازماندگان ایشان، سلامتی و حرکت در خط عزتمندانه امام خامنه‌ای و عاقبت نیک آرزو دارم.

نگرانی دوران بدون هاشمی

مصطفی درایتی، عضو شورای مرکزی حزب اتحاد ملت: از دیروز که خبر غیرمترقبه درگذشت ناگهانی آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی را شنیدم، یکباره به عنوان آدمی که در عرصه سیاسی روز کشور فعال و ناظر بر امور هستم، حس و حالت عجیبی دارم. از شنیدن خبر درگذشت او، به‌شدت ناراحتم و از فکرکردن به جایگاه خالی آیت‌الله در نظام سیاسی ایران، احساس ترس می‌کنم. آنچه مرا نگران کرده، این است که عدم حضور او در عرصه سیاست سبب افزایش مشکلاتی می‌شود که قابل حدس است و در گذشته‌ای نه چندان دور وجود داشته و به باور من در دوران پس از هاشمی احتمال افزایش آنها می‌رود. هاشمی‌رفسنجانی لنگرگاهی بود که پذیرای چالش‌های سنگین سیاسی نظام می‌شد

و تعادل را با کمترین آسیب‌ها و خطرهای ممکن در نظام سیاسی جمهوری اسلامی برقرار می‌کرد. به همین دلیل یافتن جایگزینی برای او در عرصه سیاسی کشور کار دشواری است و بیراه نگفته‌ایم که بدلی برای هاشمی نخواهیم یافت. هاشمی‌رفسنجانی، هم قبل از انقلاب و در مبارزات انقلابی نقش منحصربه‌فردی داشت و هم در زمان پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار نظام جمهوری اسلامی ایفای نقش بی‌مانندی کرد؛ به همین دلیل هم طبیعی است که برای او جایگزینی پیدا نشود. وجود هاشمی‌رفسنجانی به فعالان سیاسی کشور آرامش و ضمانت می‌داد و در عرصه مدیریتی کشور عهده‌دار تصمیم‌های حاد و سنگین می‌شد. به‌همین‌دلیل نبودِ او این ابهام را مطرح می‌کند که چه کسی یا چه طیفی و با چه اهرمی می‌تواند ایفاگر نقش واسط هاشمی‌رفسنجانی باشد. همین ابهام هم سبب ترس، دل‌نگرانی و دلهره می‌شود که در فقدان هاشمی‌رفسنجانی چه خواهد شد. هاشمی‌رفسنجانی همواره در کنار گروه‌ها، طیف‌ها و احزاب سیاسی کشور بود و تلاش می‌کرد که همه علایق، سلایق و دیدگاه‌های سیاسی کشور را به هم نزدیک‌تر کند و نقش‌آفرینی‌های طیف‌های سیاسی را واقعی‌تر کند. او فردی بود که همه جهت‌گیری‌های سیاسی معتقد به نظام و انقلاب را حمایت می‌کرد. به‌همین‌دلیل، گاه عنوان می‌شد که آیت‌الله هاشمی نزدیک به جناح راست و اصولگراست و گاهی عنوان می‌شد که چهره‌ای اصلاح‌طلب و خواهان اصلاحات در نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران است. نگاه هاشمی‌رفسنجانی به مسائل روز سیاسی، منحصربه‌فرد و ویژه و نگاهی مدیریتی بود که سبب می‌شد پایه‌های نظام مستحکم‌تر شود. در فقدان او، پرشدن جای خالی تعادل‌بخش او و نگاه مدیریتی او با ابهام روبه‌رو است و همین موضوع سبب ترس و نگرانی فعالان سیاسی کشور شده است.

ادامه از صفحه ۴

امید امام (ره) بود

آقای هاشمی متوجه شد و نامه‌ای به امام نوشت، نامه به عراق آورده شد و من آن را به امام رساندم. آقای هاشمی در نامه گفته بود در آینده به نیروهایی نیاز داریم که در بخش بانوان در کنار نیروهای اصلی انقلاب فعال باشند تا اگر رژیم تغییر کرد، برای تأسیس حکومت و فعالیت‌های اجرائی از قبل تربیت شده باشند؛ امام وقتی متوجه شدند نامه‌ای خیلی صمیمانه به آقای هاشمی نوشتند که در ابتدای آن آمده بود: «وَلَوْ كُنتُ أَعْلَمُ الْغَيْبَ لَاسْتَكْثَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ»؛ یعنی اگر غیب می‌دانستم، خیرات زیادی نصیب من می‌شد و چون مطلع نبودم آن نظر را دادم. حال که به اصل موضوع پی بردم شما مجاز به ادامه راه هستید. به آن آقای روحانی هم که استفتا کرده بود بگویید نظر من را منعکس نکند. اینها نمونه‌هایی از شیوه ارتباطی آقای هاشمی با امام و اعتماد مثال‌زدنی آن رهبر بزرگ به همراه توانای خود است. در مقطعی آقای هاشمی برای آگاهی از تشکل‌های اسلامی خارج از کشور مسافرتی به اروپا و آمریکا داشتند. ابتدا به ملاقات محمد، برادر خود رفتند که در آمریکا مشغول تحصیل بود و با راهنمایی او با تشکل‌های اسلامی آمریکا دیدار کردند. سپس با هماهنگی انجام‌شده با انجمن‌های اسلامی اروپا، به آن قاره سفر کردند و با تشکل‌های دیگر آشنا شدند. در همین مسیر از طریق سوریه و با لباس مبدل به عراق آمدند. آنجا در منزل مرحوم حاج‌آقا مصطفی با هم ملاقاتی داشتیم، موقتا معمم شدند و خدمت امام رسیدند، صحنه ملاقات ایشان با امام هنوز در خاطرم هست، لحظات تکان‌دهنده‌ای بود. امام به مجرد ورود آقای هاشمی بلند شدند و ایشان را در آغوش گرفتند؛ به‌مثابه پدری که فرزند دلبند خود را بعد از سال‌ها دوری در آغوش می‌گیرد، لحظاتی طولانی در آغوش هم بودند و هق‌هق گریه بلند بود. وقتی کنار هم نشستند آقای هاشمی اولین جمله‌ای که گفت در ستایش روشن‌بینی امام درباره مجاهدین خلق بود که با آگاهی و درک دقیق نسبت به ماهیت سازمان، از حمایت خودداری کرده بودند. آقای هاشمی گفت این باعث افتخار روحانیت است که نمی‌توانند رهبر آن را فریب دهند. ایشان اطلاعات دیگری از فعالیت‌های دانشجویی و مبارزاتی ایرانیان مقیم آمریکا و اروپا به امام ارائه داد و همچنین آخرین وضعیت گروه‌های داخل کشور را امیدوارانه و با اشتیاق برای امام تعریف کرد. من شاهد بودم که امام بعد از آن ملاقات بیش از پیش به تداوم نهضت و ادامه راهی که دوستان در داخل کشور دنبال می‌کردند امیدوار شد. لحظات شیرین و تکان‌دهنده‌ای بود، این ملاقات در کنار ملاقات عاشقانه‌ای که شهید استاد مطهری در کربلا با امام داشتند، در خاطرم مانده است. آقای هاشمی در آن جلسه به امام گفت سفرم برای ساواک لو رفته و ایادی رژیم از ارتباطات و مراجعات اروپا و آمریکا آگاه شده‌اند، اگر به ایران بروم حتما دستگیر می‌شوم اما ترجیح می‌دهم بروم و دستگیر شوم. به‌هرحال مرا آزاد خواهند کرد و با این شرایط در داخل بهتر می‌توانم تأثیرگذار باشم تا در خارج از کشور، دچار تشتت و ذهنیت دور از صحنه مبارزه باشم و عمرم تلف شود. پس از آن به زیارت کاظمین، سامرا و کربلا رفتیم و برگشتند و پیش‌بینی درباره دستگیری و شکنجه‌های سخت ساواک، به حقیقت پیوست که در خاطرات زندانیان آن مقطع بارها منعکس شده است. دیگر ایشان را ندیدم و گاهی ارتباطات به صورت مکاتبه‌ای وجود داشت تا اینکه در سفر تاریخی ۱۲ بهمن سال ۵۷ در کنار امام، در فرودگاه و مدرسه رفاه و علوی ایشان را ملاقات کردم. حقیقت این است که قبل از انقلاب ایشان تنها نیرویی بود که صد درصد مورد اعتماد و امید امام بود؛ به بیانی، امام به ایشان وابسته بود. او از نظر امام، واجد شرایطی بود که به عنوان ذخیره انقلاب، برگزیده شده بود. در این زمینه یکی از موضوعاتی که می‌تواند گواه باشد، شهادتی است که حضرت آیت‌الله وحیدخراسانی داده است؛ می‌گویند وقتی اولین‌بار در مدرسه علوی به زیارت امام رفتم دیدم، هر چند دقیقه یک بار، یک روحانی جوان و ریزنقش اجازه می‌گرفت و داخل می‌شد و نکته‌ای به امام می‌گفت، هر پیشنهادی که می‌داد امام می‌پذیرفتند، سؤال کردم ایشان چه کسی است گفتند: ایشان حاج شیخ اکبر رفسنجانی، یار مورد اعتماد امام است. همین ویژگی بود که آقای هاشمی را در صف اولین ترورهای مخالفان انقلاب قرار داد و اگر شجاعت و دلاوری همسر ایشان نبود، آن سوءقصد به شهادت ایشان می‌انجامید. امام با شعف و شادمانی بعد از ناکام‌ماندن ترور، تأکید کردند نهضت زنده است تا هاشمی زنده است. آقای هاشمی بعد از فائق‌آمدن بر فتنه حرکت‌های مسلحانه، ماجرای بنی‌صدر، انفجار دفتر حزب جمهوری، مدیریت شایسته جنگ، ریاست مجلس و ده‌ها فعالیت دیگر، وقتی نوبت به سازندگی کشور رسید، باز هم خود را در معرض رأی مردم قرار داد و هشت سال دوران حساس بعد از جنگ را با آن حجم آسیب‌هایی که کشور دیده بود، اداره کرد و کشور را به پیش برد. به عنوان یک شاهد زنده می‌گویم امام برای بعد از رحلت خود، به دو نفر امید بسته بود که بتوانند کشور را اداره کنند؛ یکی آقای هاشمی و دیگری مقام معظم رهبری. در لحظاتی بعد از عمل امام، این دو شاگرد امام به ملاقات ایشان رفتند، آن رهبر بزرگ دست این دو یار همیشگی را در دست هم قرار داد و تأکید جدی و عاشقانه‌ای داشت که امیدم به شماست، تا شما با هم باشید، این کشور آسیب نمی‌بیند و توصیه و تأکید و سفارش این بود که هیچ‌گاه از هم جدا نشوند. الحق آقای هاشمی این وصیت امام را تا آخرین لحظه حیات وفادارانه پاس داشت و یار غمخوار و دلسوز مقام معظم رهبری بود، ایشان هم در پیام خود به این نکته به زیبایی عنایت داشتند که «با فقدان هاشمی این‌جانب هیچ شخصیت دیگری را نمی‌شناسم که تجربه‌ای مشترک و چنین درازمدت را با او در نشیب‌وفرازهای این دوران تاریخ‌ساز به یاد داشته باشم». وَسَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَيَوْمَ يَمُوتُ وَيَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا.

ادامه از صفحه ۶

سیاست‌مداری با نگاه جهانی

او در میانه جنگ تحمیلی موفق شد برخی از ادوات جنگی را که موفق به ساخت آن در داخل نشده بودیم، از کشوری مانند آمریکا به دست آورد. او موفق شد موشک‌های دوربرد اسکاد را زمانی که اتحاد شوروی متحد استراتژیک عراق بود، از متحدان دیگر شوروی یعنی سوریه و لیبی به چنگ آورد و با شلیک یکی از آنها به بغداد، از برگزاری اجلاس سران کشورهای اسلامی در عراق جلوگیری کند. در پایان جنگ و پذیرش قطع‌نامه ۵۹۸، هاشمی‌رفسنجانی عنصری کلیدی بود. در دوره طولانی مذاکرات بین ایران و دبیرکل ملل متحد و ایران و عراق او همواره مشوق دیپلمات‌های ایرانی بود. نامه‌های مبادله‌شده بین او و رئیس‌جمهور وقت عراق نشان می‌دهد تا چه اندازه بر منافع جمهوری اسلامی ایران و به‌خصوص حفظ معاهده حسن هم‌جواری و مرزهای دولتی بین ایران و عراق منعقده در ۱۹۷۵ پافشاری داشت. بالاخره در آگوست ۱۹۹۱ عراق تسلیم مقاومت و اصرار ایران شد و در نامه‌ای به موافقت با خواسته‌های آقای هاشمی‌رفسنجانی اقدام کرد. ۳- او در هر جا که بود، مرکز آنجا بود. در دوره جنگ تلاش بسیاری شد تا در پشتیبانی بی‌حدوحصر کرملین از بغداد محدودیتی ایجاد شود. این تلاش‌ها بالاخره نتیجه داد و مسکو از آقای هاشمی برای دیدار از شوروی دعوت کرد. در پی رحلت حضرت امام، وی در ۳۰ خرداد ۱۳۶۸ باز به مسکو در کسوت رئیس یک کشور مسافرت کرد. روبه‌روی او گورباچف رئیس‌جمهور شوروی نشست. از شهرهای تکنولوژیک شوروی که روی همگان بسته بود، بازدید کرد و با هوشمندی خود توانست قراردادی ۱۰ساله برای همکاری‌های تکنولوژیک و دفاعی با شوروی امضا کند. ۴- راهبرد اصلی او در دوره ریاست‌جمهوری تنش‌زدایی بود. روشی که با هدف بهبود روابط و بالابردن سطح سیاسی و اقتصادی در میان کشورها تلاش می‌شود. او برای مأموریت اصلی دولت خود که توسعه همه‌جانبه کشور با حفظ استقلال بود، به ایجاد و حفظ روابط با اکثر کشورهای جهان نیاز داشت تا بتواند با این راهبرد سرمایه و فناوری خارجی را جذب و برای کالاهای ایرانی از جمله نفت و گاز بازارهای جدیدی پیدا کند. هاشمی عقیده داشت اگر ایران، جامعه‌ای توسعه‌یافته شود، کشور ایران به طور طبیعی به نمونه و الگویی برای سایر ملت‌ها تبدیل خواهد شد. در این ارتباط در دولت او گفت‌وگوهای انتقادی با اتحادیه اروپا شروع شد. امید می‌رفت که این مذاکرات به توافق همکاری و تجارت با اتحادیه اروپا (TCA) منتهی شود. در سال‌های پایانی ریاست‌جمهوری به کشورهای آفریقایی توجه ویژه‌ای پیدا کرد. قصدش آن بود که از طریق همکاری‌های موسوم به جنوب- جنوب بتواند تجارت بین کشورهای تولیدکننده منابع طبیعی را افزایش دهد و به این صورت حجم روابط اقتصادی کشورهای جهان سوم را ارتقا دهد. در این زمان ایران در مجامع بین‌المللی فعال شد. در بخش‌های ملل متحد و سازمان‌های تخصصی وابسته به آن دیپلمات‌های ایرانی پیشنهادهای جدید ارائه می‌دادند. ۵- سیاست‌های منطقه‌ای برای او اولویت داشت. پس از واقعه کشتار حجاج ایرانی در مکه او تلاش فراوانی کرد تا بالاخره روابط قطع‌شده با عربستان سعودی به حالت عادی درآید. این روابط در ۱۳۷۰ مجددا برقرار شد. نقش او در مذاکره با ولیعهد وقت عربستان امیرعبدالله در اسلام‌آباد و تهران مثال‌زدنی است. ۶- اما شاهکار بخش سیاست خارجی هاشمی‌رفسنجانی، رفتار او در قبال فروپاشی اتحاد شوروی است. مردی که موافقت‌نامه روابط استراتژیک ایران و اتحاد شوروی را تدارک دیده بود، زمانی که دریافت حمایت از استقلال و کمک به کشورهای تازه‌متولدشده در شمال کشور بیشتر به منافع ملی ایران نزدیک است، تردید به خود راه نداد. در دسامبر ۱۹۹۲ به تدریج کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز اداره امور خویش را به دست گرفتند و تهران یکی پس از دیگری آنها را به رسمیت شناخت. ایران کشورهای مزبور را با عضویت در سازمان ملل متحد آشنا کرد و اکثر آنان را به عضویت در سازمان همکاری‌های اسلامی درآورد. سپس شش کشور را به سازمان همکاری‌های اقتصادی (اکو) وارد کرد. در حاشیه اجلاس سران اکو در تهران، آقای هاشمی اجلاس کشورهای همسایه دریای خزر را نیز برگزار کرد. تقریبا او به همه اهداف خویش در ارتباط با کشورهای مستقل مشترک‌المنافع دست یافت. حس نزدیکی و همکاری با ایران در کشورهای مزبور به‌قدری قوی شد که برای حل اکثر مشکلات خود به هاشمی‌رفسنجانی متوسل می‌شدند. حل منازعات داخلی تاجیکستان که به قرارداد حل منازعه در ۱۹۹۷ منجر شد، مدیون تلاش‌های او و وزارت امور خارجه اوست. رهبران این مناطق برای او احترام فوق‌العاده‌ای قائل بودند. در سال ۱۳۷۶ سفری به کشورهای آسیای مرکزی و آذربایجان داشت. همه جا مردم از او استقبال کردند. او در تاشکند بخشی از وقت خود را به بازدید از انستیتو نسخ خطی ابوریحان بیرونی اختصاص داد. از پله‌های کوچکی بالا رفتیم. با هوش خود دریافت که در میان کتب و اسناد خطی این مؤسسه میراثی غنی از تمدن ایران اسلامی نهفته است. به بودجه کمی برای فهرست‌برداری از هزاران نسخه جمع‌آوری‌شده در تاشکند نیاز داشتیم. با اشتیاق پذیرفت. فهرست نسخ خطی این مؤسسه ۱۲ جلد است. اگر ذهنیت و رفتار هاشمی‌رفسنجانی را در سیاست خارجی بخواهیم خلاصه کنیم، می‌توان گفت او یک سیاست‌مدار واقع‌گرا با تمرکز بر منافع ملی ایران و رفتار انسانی بود.